

مدعیان دروغین



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد

مصطفی و آل طاهرینش

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ

(نازعات ایه 24)

و فرعون گفت: من پروردگار بزرگ تر شما هستم.

در طول تاریخ بشریت همواره افراد دروغگویی بودند که ادعاهای

دروغین مانند اینکه من خدا هستم! من پیامبرم! من امام زمانم! من باب

امام زمانم! من داشته اند.

متأسفانه این مدعیان دروغین افرادی را گم‌رته می کردند و آنها را جذب

خود می نمودند و آنها را بدبخت می نمودند.

لذا انسان باید در طول زندگی خود فقط از افرادی که ولی خدا هستند و
واقعا از طرف خدا منصوب شده اند پیروی نماید تا سرنوشت شومی پیدا
نکند و گمراه نشود.

ما در این کتاب به معرفی چند نفر از مدعیان دروغین پرداخته ایم.

امید است که هیچ فردی وسیله این مدعیان دروغین که هم اکنون هم
فعالیت دارند می کنند گمراه نشود و هرگز دنیال این افراد دروغگو
نرویم.

زمستان 1403. کرمانشاه

_دروغگویان بزرگ تاریخ:

***کسانی که ادعای خدایی کردند، مانند: «نمرود» و «فرعون».**

***کسانی که ادعای پیامبری می کردند، مانند: «مسيلمه ی کذاب» و «زنی بنام سجاح».**

***کسانی که ادعای امامت می کردند، مانند: «امام سیزدهم!» یا «امام چهاردهم!».**

***کسانی که ادعای باییت (واسطه بین امام زمان(ع) و مردم) می کردند، مانند: «سید علی محمد باب!».**

***مسئولین و حاکمان دروغگو!**

***صفویه به دروغ خود را «سید» می دانستند!**

***صدام شجره نامه دروغین درست کرده بود!**

*پهلوی ها خود را از نسل ایرانیان باستان می دانستند در حالی که رضاخان ایرانی نبود!

[آقای رحیم پور ازغدی می گوید: رضاخان اصالتا ایرانی نبود؛ نسب پهلوی از طرف پدر و مادر، ایرانی محسوب نمی شد... رضاخان اهل قفقاز و گرجستان بودند و به ایران مهاجرت کرده بودند ولی به لحاظ جغرافیای سیاسی منطقه و تقسیمات کشوری، نسب پهلوی از طرف پدر و مادر، ایرانی محسوب نمی شد]^۱.

مدعیان دروغین:

الف) مسیلمه، نخستین کذاب در اسلام:

نخستین کسی که از طرف رسول [به لقب کذاب نامیده شد، عربی بود به نام «مسیلمه»؛ او در آغاز مسلمان شد ولی سپس ادعای پیغمبری کرد و نامه ای بدین مضمون برای پیغمبر اسلام فرستاد:

¹<https://etemadonline.com/content/466508>

«از مسیلمه رسول الله به سوی محمد رسول الله، سلام عليك؛ بدان که من با تو در پیغمبری شریک هستم؛ حکومت نصف زمین از آن من و نصف دیگر از آن قریش...»

پیغمبر اسلام] در جواب چنین نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم.

از محمد رسول الله] به مسیلمه کذاب؛ سلام بر کسی که راه حق را پیروی کند؛ زمین از آن خداست و به هر کس از بندگان بخواند می‌دهد؛ سر انجام نیک از آن مردم باتقواست و بس.

زمانی که رسول خدا] از دنیا رفت، مسیلمه کارش بالا گرفت؛ تعصب عشیره ای و منطقه ای که در عرب فراوان می‌باشد، موجب شد که در میان افراد عشیره اش و اهالی مرز و بومش، پیروان بسیاری پیدا کند؛ سر انجام در زمان حکومت ابوبکر به دست مسلمانان کشته شد.

ب) «اسود عنسی»، کذاب دیگر:

هنگامی که رسول [از سفر حجة الوداع مراجعت می فرمود، بر اثر خستگی و کوفتگی سفر، بیماری بر حضرتش عارض شد؛ این خبر در یمن به گوش /سود عنسی رسید؛ او هم ادعای پیغمبری کرد و چون اطلاعاتی از شعبده داشت، کارهای عجیب و غریبی از خود نشان می داد. اسود نیز پیروان بسیاری پیدا کرد و کشور یمن را به تصرف در آورد و ماموران رسول خدا] را بیرون کرد.

فرماندار کل که نامش «شهر بن باذان» بود و گویا ایرانی بود، در برابر او مقاومت کرد؛ این مرد مسلمان، آن قدر استقامت کرد تا در راه دفاع از اسلام جان داد و شهید شد؛ اسود، همسر این مرد بزرگوار را به زنی گرفت!

حدود متصرفات اسود، از طرفی حضر موت و از طرفی طائف و از طرفی احسا و بحرین بود، بلکه تا عدن رسید و وجودش برای اسلام خطر بزرگی شد.

پیغمبر اسلام] به مسلمانانی که در آن سامان بودند، نوشت که با این کذاب نیرومند، مبارزه کنند و شرش را دفع کنند. یک مسلمان جوان

مرد ایرانی به نام فیروز موفق شد که اسود را بکشد و خطرش را بر طرف کند.

از طرف خدا، کشته شدن اسود عنسی به رسول وحی شد؛ پیغمبر [فرمود: عنسی کشته شد؛ او را مبارک مردی کشت که از دودمانی مبارک بود؛ پرسیدند: که او را کشت؟ پیغمبر] فرمود: «فیروز فاز فیروز؛ او فیروز است، پیروز شد فیروز».^۲

پ) نفاق عُیینه:

هنگامی که قلعه طایف در محاصره پیامبر [بود، «عُیینه» تصمیم گرفت که از آن حضرت اجازه بگیرد تا او هم بتواند همانند برخی دیگر، برای عده‌ای امان بگیرد؛ به همین منظور خدمت رسول خدا] آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! اجازه بدهید که به قلعه طایف بروم و با آن‌ها صحبت کنم؛ رسول خدا] اجازه دادند؛ وی به قلعه نزدیک شد و گفت: اگر به قلعه نزدیک شوم در امان هستم؟ گفتند: بله، نزدیک بیا و داخل

^۲. بلاذری؛ ص 15.

شو؛ او وارد قلعه شد و به آنها گفت: پدر و مادرم قربانتان! به خدا سوگند که ایستادگی و مقاومت شما سبب خرسندی من شده است؛ به خدا سوگند که در عرب کسی همانند شما وجود ندارد؛ به خدا سوگند که محمد [تاکنون با افرادی چون شما درگیر نشده و حالا از توقف زیاد خسته گردیده است؛ شما در قلعه‌های خود بمانید که بسیار محکم و اسلحه‌های شما بسیار زیاد است؛ آب شما از داخل قلعه تأمین می‌شود و از قطع آن بیمی ندارید.

پس از آن که او بازگشت، رسول خدا [از او پرسید: به آنها چه گفتی؟ او گفت: تا توانستم آنها را ترساندم و گفتم: همانا محمد [در پای قلعه‌های دیگر نیز فرود آمده و آنها را که دارای افراد و سلاح‌های بیشتری بوده‌اند محاصره کرده است؛ به خدا سوگند که محمد [از شما دست بر نمی‌دارد تا زیر فرمان او درآیید یا از او امان بخواهید و تا جایی که توانستم آنها را ترساندم و خوار کردم! پس از آن که سخن او تمام شد، رسول خدا [فرمود: دروغ می‌گویی! تو این و آن را به آنها گفتی و همه آن چه که او به آنها گفته بود بازگو کرد.

ت) سجاح، زنی که ادعای پیامبری می کرد:

در سال یازدهم هجری و بعد از رحلت رسول اکرم]، «سجاح بنت حارث بن سوید تمیمی موصلی» که خویشان مادری اش از بنی تغلب بودند، در سرزمین جزیره ادعای پیامبری کرد و با لشکری انبوه راه مدینه را در پیش گرفت تا آنجا را اشغال کند و دولت اسلامی مدینه را از میان بردارد! او به طرفدارانش می گفت: به من وحی شده است فوراً به یمامه بروم و در آن جا غارت کنم؛ او در راه با مسیلمه کذاب مواجه شد و بعد از مذاکراتی، باهم ازدواج کردند! مسیلمه در زمان خلیفه اول کشته شد و سجاح مسلمان گردید.

ث) «جعفر کذاب»:

جعفر بن علی (در گذشته ۲۷۱ق)، معروف به جعفر کذاب فرزند امام هادی Γ و از مدعیان امامت پس از شهادت برادرش امام حسن عسکری Γ بود؛ از این رو شیعیان دوازده امامی، وی را کذاب (دروغگو) لقب دادند.

جعفر برای تثبیت امامت خود، تولد امام زمان Γ را انکار کرد و مدعی میراث امام عسکری Γ شد. همچنین می خواست بر جنازه امام یازدهم نماز بخواند؛ اما امام زمان (ع) مانع او شد..

ج) «ابو محمد شریعی»:

وی که ظاهراً نامش حسن بوده است، اولین کسی است که در زمان سفیر دوم ادعای سفارت نمود؛ شریعی از جمله اصحاب امام هادی Γ و امام حسن عسکری Γ به شمار می رفته است؛ از ناحیه مقدسه امام ⑤ توقیعی در لعن وی صادر گردید و شیعیان به همین دلیل از او دوری جستند.^۳

^۳ طوسی؛ الغیبه؛ ص 244. علی دوانی؛ مفاخر اسلام؛ ج 2؛ صص 207 و 206.

چ) «ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی»:

شلمغانی از کسانی است که با «حسین بن روح» نایب سوم امام مهدی^ح به مخالفت برخاست و به تأسیس مذهب جدیدی پرداخت؛ وی از قریه شلمغان از قراء واسط بود و نیز او را الغزاقر^۴ و پیروانش را به همین مناسبت «عز/قریه» می - خوانده اند.

شلمغانی یکی از کاتبان بغداد و از مؤلفان شیعه بود؛ پیش از مخالفت با حسین بن روح، نزد شیعیان مقام بزرگی داشت و نوشته هایش مورد استفاده آنان قرار می گرفت، زمانی که حسین بن روح پنهان زیستی را آغاز کرد، شلمغانی را به نیابت خویش برگماشت و توقیعات حضرت مهدی^ح توسط حسین بن روح به دست وی می رسید؛ مردم نیز در رفع حوایج و حل مشکلات خویش به او مراجعه می کردند.

تاریخ خروج شلمغانی از تبعیت حسین بن روح دقیقاً روشن نیست؛ زیرا نمی دانیم که وی در چه تاریخی در خفا می - زیسته است؛ از منابع چنین

^۴ . در منتظم ابن جوزی، 27/6 العزاقیر - کامل ابن اثیر، 290/8 «العراق» - نهایت / الادب، 124/23 «العراقید»، تاریخ الخلفاء، ص 291 «العراق» آمده است.

استنباط می گردد که دوره پنهان زیستی حسین بن روح با شروع دوران وزارت حامد بن عباس مصادف بوده است که ایام وزارت حامد نیز از جمادی الاخر 306 تا ربیع الاخر سال 311 ه.ق. طول کشیده است؛⁵ اما شیخ طوسی نوشته است که شلمغانی هرگز از جابن ابن روح نه نایب بود و نه سفیر، بلکه وی یکی از فقیهان بود که به کفر و الحاد گرایید و از این جهت توقیعی به دست ابن روح، مبنی بر لعن و براءت از وی و پیروانش صادر گردید.

به هر حال شلمغانی در سال 322 ه.ق. مذهبی ایجاد کرد که براساس آن در عالم تشیع قائل به تناسخ و حلول خداوند در اجسام دیگران گردید.⁶ وی ترک عبادت و نکاح محارم را مباح اعلام کرد؛⁷ و توانست گروهی از شیعیان از جمله «محسن بن ابی الحسن» فرزند ابن فرات وزیر را به خود متمایل کند؛⁸ از جمله کسان دیگری که به او پیوستند، «ابراهیم بن محمد بن ابی عون» عالم و ادیب شیعه بود؛ وی کتابی تحت عنوان «تشبیهات» تألیف کرد؛ ابراهیم از معدود کسانی بود که درباره

⁵. طوسی: الغیبه، ص 196. عباس اقبال؛ خاندان نوبختی؛ صص 222-223.

⁶. ابن اثیر؛ الکامل؛ ج 7؛ ص 103.

⁷. صالح الدین خلیل صفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج 4، صص 107-108. محمد علی مدرس؛ ریحانه الادب؛ ج 3؛ صص 235-236.

⁸. ابن اثیر؛ الکامل؛ ج 7؛ ص 103.

شلمغانی غلو کرد و بر آن اعتقاد بود که خداوند در جسم آدم، شیث و سایر انبیاء و اولیاء به ترتیب حلول کرده تا در جسد امام حسن عسکری^Γ و سپس در قالب شلمغانی قرار گرفت و به همین دلیل او و پیروانش، حرم و اموال خود را برای استفاده شلمغانی مباح دانسته اند.^۹

سرانجام به دلیل همین اعتقادات منحط، توقیعی مبنی بر لعن شلمغانی از ناحیه مقدسه امام مهدی[⊕] صادر گردید و حسین بن روح از محل زندان خویش [در خانه مقتدر خلیفه] نامه ای به «ابو علی بن همام» نوشت که چون در دست دشمن اسیر است از امام[⊕] بخواهد که توقیع مربوط به شلمغانی منتشر نشود ولی حضرت مهدی[⊕] دستور انتشار آن توقیع لعن را صادر فرمودند...^{۱۰}

^۹ محمد علی مدرس؛ ریحانۃ الادب؛ ج 7؛ ص 363.

^{۱۰} طوسی؛ الغیبة؛ صص 252-253.

ح) دجال، پیامبر دروغین:

پیامبر دروغین همان طور که از اسمش مشخص است، فردی است که ادعای پیامبری و رهبری می کند و خود را نماینده و جانشین خداوند بر روی زمین می داند. در متون کهن اسلامی آمده است که پیامبر دروغین بنده ی شیطان در آخرالزمان به همراه دجال «*Antichrist*» اهریمن برای گمراهی و نابودی نوع بشر می آیند.

به این صورت که پیامبر دروغین با تکیه بر دین دروغ می گوید و خشکسالی و فقر و بدبختی و بیچارگی را رواج می دهد، سپس مؤمنان معتقد را بی دین و کافر می کند و از سوی دیگر دجال، افراد بی دین و کافر را با تصویر یک سراب از آبادانی، نعمت و رفاه، لذت های دنیوی و خوشبختی ظاهری به سوی خود جذب می کند که در نهایت پیروان خود

و تمامی کسانی که بر جنایاتشان سکوت کرده‌اند را به جنگ و گرفتاری
و بدبختی می‌برند.

در دین مسیحیت به پیامبر دروغین اشاره شده و با شرح اوصاف وی، به
دینداران و معتقدان راستین هشدار داده‌است.

انجیل: «مراقب پیامبر دروغین باشید که نزد شما خواهد آمد، او گرگی
گرسنه است در لباس گوسفند» بدین منظور که پیامبر دروغین پیام‌ها و
وعده‌های خوبی در کلام دارد، اما اگر به اعمالش و نحوه‌ی مدیریت
جامعه توسط او با دقت بنگریم متوجه ذات وی خواهیم شد.

مشخصات پیامبر دروغین:

از مشخصات پیامبر دروغین علائمی در کتاب انجیل آمده و تأکید شده است که اگر شخصی برخی از این مشخصات را داشت الزاماً پیامبر دروغین نیست، اما اگر تمامی آن‌ها را داشت حتماً پیامبر دروغین است.

- پیامبر دروغین در ارتباطات با استعداد هست، اما در تعامل با دیگران ضعیف است.¹¹

- پیامبر دروغین عاشق جمعیت کثیر مردم است، نه خود مردم.¹²

- پیامبر دروغین از نظم و عدالت در جامعه نفرت دارد، اما به ظاهر خواهان اجرای عدالت است.¹³

- پیامبر دروغین عاشق پول و مادیات است، در صورتی که پیامبران به معنویات اهمیت می‌دهند تا به مادیات.^{۱۴}

¹¹. (۱ تیموتی ۳: ۲).

¹². (یوحنا ۱۲: ۱۸-۱۹).

¹³. (متی ۱۵: ۱۲-۱۴).

– پیامبر دروغین در خانواده خود دچار مشکل است، اما آن را از پیروانش پنهان می‌کند.¹⁵

– پیامبر دروغین به ازدواج با دختر بچه‌ی نابالغ علاقه شدیدی دارد.¹⁶

– پیامبر دروغین ممکن است در میان پیروانش محبوب باشد، اما دیگران از او تنفر دارند و او را عادل نمی‌دانند.¹⁷

– پیامبر دروغین به شدت غرور دارد، در صورتی که فروتنی نشانه‌ی معنویت است.¹⁸

– پیامبر دروغین کتاب مقدس را خوب می‌داند، اما از عمل کردن به تمامی احکام آن تنفر دارد.¹⁹

– پیامبر دروغین از همراهی با افراد بزرگ اجتناب می‌کند، او می‌خواهد همه را کنترل کند و به همین دلیل در مکان‌های مذهبی افرادی را قرار

¹⁴. (قرنتیان ۲: ۱۷، تیتوس ۱: ۷، ۱ تیموتی ۳: ۲۳).

¹⁵. (تیموتی ۳: ۱۴).

¹⁶. (همان ۳: ۱۱).

¹⁷. (همان ۳: ۷، جان ۱۷: ۲۰–۲۱).

¹⁸. (همان ۳: ۶).

¹⁹. (همان ۳: ۵، ۱ تیموتی ۴: ۱۶).

می‌دهد که کاملاً تابع قدرت و دستورات او باشند نه صرفاً احکام مذهبی.

20

- زندگی پیامبر دروغین با آنچه که بر زبان دارد تفاوت فاحش دارد، از آنچه که می‌خورد، آنچه که می‌پوشد و آنچه که انجام می‌دهد اصلاً شبیه خطبه‌هایش نیست.²¹

- پیامبر دروغین اغلب به موفقیت‌های وزارتخانه اش اشاره می‌کند، به جای آنکه به وضع جامعه و معیشت مردم اشاره کند.²²

- در حکومت تحت امر پیامبر دروغین از روزهای خوب گذشته صحبت می‌شود و هیچ‌کس امیدی به آینده ای درخشان ندارد.²³

- پیامبر دروغین درباره ی یک موضوع بارها و بارها صحبت می‌کند و آنقدر به آن موضوع می‌پردازد که حتی اگر خوب باشد برای مردم بی‌ارزش خواهد شد.²⁴

²⁰ (همان ۱: ۵، اعمال ۲۳: ۱۴).

²¹ (متی ۵: ۲۰-۲۱، تیموتی ۴: ۱۲).

²² (مسیحیان فیلیپیان ۱: ۱۵-۱۸).

²³ (متی ۷: ۲۲-۲۳).

²⁴ (پیتر ۳: ۱-۳، متی ۶: ۲۷).

- پیامبر دروغین خود را با افراد ترسو، ناشایست، بی عقل، متملق و خائن احاطه خواهد کرد.²⁵

- پیامبر دروغین به جای موفقیت و برکت، بدبختی و فقر می آورد و از شما می خواهد که خدا را شکر کنید.²⁶

- پیامبر دروغین ممکن است معجزاتی را نظیر پیشگویی به شما نشان دهد، اما باید دقیق بنگرید که آیا آن معجزات باعث رفاه و خوشبختی هستند یا بدبختی.²⁷

- در زمان حکومت پیامبر دروغین دین گریزی و همجنس گرایی رواج پیدا می کند.²⁸

- پیامبر دروغین به دنبال قطع ارتباط پیروانش با دیگران است و از کسب آگاهی واهمه دارد.²⁹

²⁵. (۳، متی ۷)

²⁶. (اعمال رسولان ۸:۱۸)

²⁷. (۱) قرنتیان ۳: ۵-۷، ۱ قرنتیان ۴: ۶-۷، اعمال ۸: ۱۸-۲۳)

²⁸. (تیموتی ۱: ۵، اعمال ۱۴: ۱)

²⁹. (همان: ۱۷)

-پیامبر دروغین به دنبال پرستیده شدن توسط پیروانش است و انتقاد را تحمل نمی‌کند، او تظاهر به خدمت خداوند و اجرای فرامین خدا می‌کند، تا مردم خود او را خدمت و عبادت کنند.³⁰

اما در دین مبین اسلام؛ در روایات شیعه آمده‌است که پیامبر دروغین در آخرالزمان و پیش از قیام حجت بن الحسن (ع)، از خراسان خروج می‌کند و او جمع زیادی از مردم را می‌فریبد و بدبخت می‌کند؛ سپس دجال در اسرائیل اورشلیم ادعای خدایی می‌کند و به مردم سرگشته وعده ی رفاه می‌دهد، که سرانجام پس از حکمرانی به مدت چهل روز یا چهل سال به دست مسیح یا مهدی یا هر دوی آنها از بین می‌رود .

از پیروان تحت امر پیامبر دروغین، در مذهب شیعه به نام قوم بنی امیه یاد شده‌است و علی بن ابی‌طالب Γ امام اول شیعیان در خطبه ۹۸ نهج البلاغه درباره ی آن قوم می‌گوید :

³⁰. (همان ۴: ۱-۲)

«به خدا سوگند! آنها (بنی امیه) همچنان به حکومت خود ادامه می‌دهند، تا آنجا که حرامی را باقی نمی‌گذارند، مگر آن که حلال بشمارند و پیمانی از پیمان‌های الهی و مردمی نمی‌ماند مگر این که آن را می‌شکنند.

خانه و خیمه‌ای باقی نمی‌ماند، مگر اینکه ظلم و ستمشان در آن راه می‌یابد، و فساد و سوء تدبیرشان مردم را از خانه‌های خویش فراری می‌دهد.

کار حکومت آنها بدانجا می‌رسد که مردم دو گروه می‌شوند و هر دو گروه گریانند: گروهی برای دینشان، و گروهی برای دنیایشان! کار به قدری سخت می‌شود که شما همچون برده‌ای خواهید بود که به یاری ارباب (ظالم و ستمگرش) برمی‌خیزد؛ در حضور او ناگزیر از اطاعت است و در غیاب از او بدگویی می‌کند. این حکومت ظالم و پیدادگر تا آنجا پیش می‌رود که هر کس به خدا امیدوارتر (و نزدیک‌تر) است، بیش از همه رنج و مصیبت می‌بیند. (در آن حکومت خودکامه) اگر خداوند برای شما عافیت و سلامت پیش آورد (و از این امواج خطرناک در امان بودید، این نعمت الهی را) بپذیرید، (و خدا را شکر گوید) و اگر

(طوفان حوادث شما را گرفت و) به رنج و ناراحتی گرفتار شدید، شکيبا
باشيد، که سرانجامی نيك برای پرهيزكاران است».

خ) زینب دروغین:

در زمان امام هادی Γ خانمی ادعا کرد زینب هستم و پیامبر [دست روی سرم کشده هر چهل سال یکبار جوان میشوم! اما امام Γ فرمود زینب از دنیا رفته و دروغ می گوید. اگر راست می گوید گوشت فرزندان زهرا Γ بر درندگان حرام است او را پیش درندگان بیاندازید تا معلوم شود راست می گوید یا نه! و در نتیجه آن زن به دروغ خود اعتراف کرد.^{۳۱}

د) «خانم شهره حضرتی»:

در عصر حاضر یکی از مدعیان کرامات و ارتباط با امام زمان(ع) خانم شهره حضرتی، اهل تهران با تحصیلات دیپلم است که در یک سالگی پدر و مادر خود را از دست داده و نیز سه مورد، ازدواج ناموفق در زندگی داشته است.

وی در سال 1373 مدعی شد که با فرشته الهی در ارتباط بوده و ضمن جذب افراد و تشکیل کلاس ها و مجالس مذهبی به نام فرشته، بر مبنای کتابهایی در مورد کشف و شهود خوانده بود به سؤالات اشخاص پاسخ می داد و در پاسخ به پرسش های طرح شده، می گفت: «فرشته الهی می گوید»؛ همین تظاهر به قداست باعث شد تا مریدان وی بدون چون و چرا بر اساس پاسخ های او به آن عمل می کردند و حتی کار را تا آنجا پیش بردند که در ازدواج و طلاق طبق دستور او عمل می نمودند.

شهره حضرتی در سال 1375 پس از ازدواج چهارم خود با آقای دکتر صادق جاویدان نژاد که دارای دو مدرک دکتری داروسازی و استاد دانشگاه در آمریکا و ایران به مدت 17 سال بود، مدعی شد که با امام زمان(ع) ارتباط دارد و سخن وی، همان سخن امام زمان(ع) و خشم او در حقیقت، خشم آقاست؛ وی در ادامه فعالیت های خود در سال 1378 با حمایت های مالی همسرش به کلاردشت مازندران، عزیمت نموده و به فراخوانی عمومی مبادرت ورزید. اعضاء این گروه اکثراً با رها نمودن شغل خود به آن منطقه نقل مکان نموده و به فعالیت های جذب افراد ساده لوح به تشکیلات خانم مذکور مبادرت ورزیدند...

ایشان منزل خود در کلاردشت را به کعبه و حرم، نام گذاری کرده و این مطلب را از قول امام زمان(ع) به مریدان می گفت به گونه ای که افراد در هنگام ورود به منزل او ضمن ذکر دعا حتی پله های منزل را بوسه می زدند. شوهرش در اعترافات خود می گفت: «من درب خانه را می بوسیدم و بعد وارد منزل می شدم».

ادعای آن که امام زمان(ع) از گوش چپ با ایشان صحبت می کند و آنچه از دهان وی خارج می شد حرفهای امام زمان(ع) است در حالیکه خودش در اعترافاتش، اعتراف کرده که این طور نبود و وی حرف های دلش را می گفته است.

او در سال 85 دستگیر شد؛ شهره حضرتی در شروع اعترافات خود می گوید: «حتی من بنده هم نیستم چرا که اگر بنده خدا بودم از این غلط ها نمی کردم؛ من به مریدهایم می گفتم دروغ گفتن بسیار کار بدی است در حالیکه خودم بزرگترین دروغ گو بودم و راهم بسیار کج بود، حتی از دست خودم بیچاره شدم، من می خواستم خودم را از حس حقارتی که

داشتم رها کنم ولی، بد راهی رفتم». او بیان داشت: «مريدان هنوز نمی دانند من چه موجود کثیفی هستم و حال می خواهم توبه کنم».

(ذ) «علیرضا پیغان»:

یکی دیگر از مدعیان مهدویت معاصر *علیرضا پیغان* است؛ علیرضا پیغان می گفت امام سیزدهم هستم!!

دادستان عمومی و انقلاب قم از اجرای حکم اعدام علیرضا پیغان یکی از مشهورترین شیادان مدعی مهدویت خبر داد؛ علیرضا پیغان که در آبان ماه سال ۱۳۸۵ از سوی ماموران اداره کل اطلاعات قم بازداشت شده بود، یکی از اعدامیان پنجشنبه گذشته قم بوده است.

اتهام این اعدامی ۴۱ ساله خرافه پرستی عنوان و گزارش شده که او مولف یک کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای و متهم به گردآوری ۲۱ مرد و ۲۹ زن در حال ترویج خرافه پرستی در قم بوده است.

علیرضا پیغان با شکایت دادستان قم به عنوان مدعی‌العموم از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب قم محاکمه و به اتهام «مفسد فی الارض» به اعدام محکوم شده بود.

ادعای نامبرده این است که امام دوازدهم از دنیا رفته و قائم‌آل محمد [من هستم و همچنین از دیگر اعتقادات نامبرده این است که قبله به سمت مسجد جمکران که به گفته او محل دفن امام دوازدهم است تغییر کرده است!!].

(ر) پخش شایعه به نام مراجع:

انتشار شایعه‌ای در میان عوام به شدت گسترش یافت که موجبات نگرانی در میان منتظران واقعی از هدف شایعه پراکنی را فراهم کرد. موضوع شایعه مذکور دیدن رؤیای تولد قاتل امام عصر (ع) توسط یک مرجع تقلید بود که در این خبر، رؤیت چهره قاتل توسط این مرجع گرانقدر مورد تأکید قرار می گرفت. شایعه پراکنان که متأسفانه برخی عوامل توزیع محصولات فرهنگی نیز در گسترش آن نقش ایفا کردند، با چاپ علائمی از ظهور منجی آخرالزمان، مدعی می شوند: آیت‌الله العظمی ... هنگام وضو گرفتن بی‌هوش شده و پس از به هوش آمدن و جویا شدن حال ایشان، بیان می‌دارد که هم اکنون قاتل امام زمان (ع) به دنیا آمده و هنگام بی‌هوشی چهره او را در عالم رؤیا مشاهده کردم! خبر فوق در آذربایجان و اصفهان با شدت بیشتری منتشر و نظرهایی درباره شهروند ایرانی بودن این قاتل داده می‌شود که منجر به دلسردی مردم

متدین برخی از این شهرها را فراهم می‌آورد. از همین رو یکی از شاگردان این مرجع تقلید جهان تشیع در ملاقات با ایشان موضوع را مطرح و از وی در خصوص صحت این شایعه سؤال می‌نماید که ایشان به شدت آنرا تکذیب می‌کند.

(ژ) ما از طرف امام زمان(ع) آمده ایم!

در ایام جنگ تحمیلی چند نفر دفتر امام رفتند و گفتند از طرف امام زمان(ع) آمده اند و پیامی برای حضرت امام دارند!

با وساطت دو تن از مسئولین کشور به این چند نفر اجازه ملاقات با امام داده شد، ایشان در همان وهله اول پی به ریاکاری آنان بردند و با اشرافی که داشتند، بری روشن شدن موضوع برای دیگران، از آنها سه سؤال کردند و فرمودند که اگر شما با امام زمان (ع) ارتباط دارید پاسخ این سؤالات را از حضرت گرفته و برای من بیاورید.

اولا: از حضرت سؤال کنید که این عکسی که من در منزل دارم و عکس مورد علاقه من نیز می باشد، تصویر کیست؟

ثانیا: از حضرت بپرسید رابطه حادث با قدیم (یک مساله علمی است) چیست؟

ثالثاً: من چیزی گم کرده‌ام، مدتهاست که دنبالش می‌کردم، از حضرت
پرسید گم شده من کجاست؟

آن افراد که ادعای ارتباط با امام زمان (ع) را داشتند پس از مدتی از
پاسخگویی به سؤالات امام اظهار عجز کردند و مشخص شد که افراد
صالحی نبوده.^{۳۲}

³² اندحجة الاسلام و المسلمین ری شهری؛ خاطرات سیاسی

س) **دراویش و عرفا و صوفی های دروغگو:**

از کسانی که خیلی دروغ می گویند، «دراویش و عارفان» جعلی هستند!
کتابهای دراویش پر از دروغهای بزرگ است!

«ابن عربی» از رؤسای دراویش می گوید من خاتم اولیاء بوده واز
حضرت محمد [بالاتر می باشم!³³

«فضل الله حروفی» از دراویش می گوید من خدا و مظهر الوهیت هستم!

«شاه نعمت الله ولی» مدعی بود که من مهدی صاحب الزمانم!

«عبدالسلام بصری» که از بزرگان صوفیه است؛ در اینجا ماجرای از او و
دروغ هایش می آوریم:

مریدان را درباره او (عبد السلام بصری) اعتقادهای عجیب و غریب بود و
شیخ نیز در حيله کوتاهی نمی کرد و همه ادعایی می کرد و آن حشرات

الارض هم قبول می کردند. عبدالسلام مبتلا به بیماری سلسله البول(ادرارش خودبخود می آمد!) بود و مرض خود را از مریدها پنهان می داشت .

روزی در مجلس او را بول گرفت و از شدت بول به خود می پیچید و رنگ به رنگ می شد. آخر قادر بر ضبط نشد و در لباس خود بول کرد و مریدها از سبب پیچ و تاب و تغییر حالت او سوال کردند؛ گفت: در دریای مغرب کشتی نزدیک به غرق شدن بود ، اهل کشتی مرا خواندند؛ من برای نجات آنها رفتم و آنها را از غرق نجات داده و برگشتم و این تری آب دریاست و لباس تر را به آنها نشان داد.

مریدها ریختند و آن رطوبت را به ریش و سبیل خود مالیدند و آن جامه را قطعه قطعه برای تیمن و تبرک بردند!

ترامپ رئیس جمهور فعلی امریکا ادعای پیامبری کرد:

من توسط خداوند برای ایالات متحده برگزیده شده ام تا آمریکا را
دوباره به شکوه برسانم!

این خودشو به عنوان مسیح میخواد جا بزنه...